

انقلاب ۱۳۵۷ و مطالبات زنان



در وضعیت زنان باشد، اما با لغو لایحه و اجباری شدن حجاب نیمی از جامعه که بنا بر نظر همه انقلابیون سهم بزرگی در انقلاب نیز داشتند، مورد ظلم قرار گرفتند. هر چند مشخص نیست زنان تا چه حد بر این باور بودند و توجه نشدن به مطالباتشان را ظلم علیه زنان می دانستند.

پس از این اقدامات حکومت، زنان در تجمعی خودجوش در اسفند همان سال به خیابان آمدند تا حقوق از دست رفته خود را باز ستانند. زنان تجمع کننده مهوت بودند که سهم آنها از انقلاب چیست. این تجمع ۱۵ هزار نفری که گستردگی زیادی داشت در رسانه های خارج از کشور نیز معرفی شد و فمینیست های خارج از کشور نیز از زنان تقدیر کردند؛ اما مورد اقبال داخلی ها قرار نگرفت. این تجمع ها بیش از سه روز به طول نینجامید و با اظهار نظراتی فریبنده از سوی حاکمیت مواجه شد. گروه های فشار با چوب و چماق با زنان برخورد کردند و گروه های سیاسی دیگر با بی تفاوتی. گروه های سیاسی از زنان تجمع کننده هیچ گونه حمایتی نکردند و حتی گاهی حضورشان را در خیابان مانع پیشرفت انقلاب نوپا می دیدند.

در شهرهای دیگر به غیر از تهران نیز تجمعی صورت نگرفت. رشت و استان گیلان که در انقلاب حضور فعالی داشتند و از پیشگامان مبارزه برای برابری زن و مرد بود نیز به این اقدامات سکوت کرد. شاید همگان بر این باور بودند که این قوانین عملی نمی شود.

اما نتیجه این سکوت ها از دست دادن لایحه حداقلی خانواده و اجباری شدن حجاب بود. زنان پس از انقلاب اولین ضربه را در سکوت هم زمان شان متحمل شدند و پس از آن بسیاری از حقوق از آنان پس گرفته شد. اما چرا دو هفته پس از انقلاب زنان باید اولین قشری باشند که مورد ظلم واقع شوند؟ چرا زنان فعال گیلان هیچ گونه حرکتی برای مخالفت سر ندادند و با چه تحلیلی سکوت کردند؟ آیا امروز زنان فعال انقلابی نقدی به سکوت پیشین خود دارند؟ فضای گیلان برای رسیدن زنان به مطالبات شان چگونه بود و چه شد که مطالبات زنان به محاق رفت؟

اگر در این باره اطلاعاتی دارید و یا از زانی هستید که در جریان انقلاب با این امر مواجه بودید، لطفاً توسط ارسال نظرات به ایمیل نشریه اوجا ما را در یافتن پاسخ سوالات مان یاری رسانید.

پس از پیروزی در بهمن ۵۷ هر چند فضا هنوز حال و هوایی انقلابی داشت اما در حقیقت ایران وارد مرحله جدید تشکیل دولت و وضع قوانین و بالطبع سهم خواهی از انقلاب شده بود و زنان بودند که می بایست سهم خود را انقلاب و مطالبات فراموش شده شان طلب می کردند؛ اما آیا این مسأله می توانست صورت عینی به خود بگیرد؟

به فاصله دو هفته پس از پیروزی انقلاب، آیت الله خمینی از وزات دادگستری خواست تجدید نظر از لایحه حمایت از خانواده سال ۵۴ را در دستور کار خود قرار دهد و موارد خلاف شرع آن را حذف کند. و بدینگونه لایحه ای که با مبارزه زنان در دولت تصویب شده بود و وضعیت زنان را به مقدار بسیار کم بهبود بخشیده بود نیز از بین رفت. در حالی که انتظار می رفت وضعیت زنان پس از انقلاب بهبود زیادی یافته و در جهت برابری زن و مرد پیش رود.

همچنین بحث حجاب اجباری نیز در همین تاریخ از سوی رهبر انقلاب به صورت عمومی برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب مطرح شد. انتظار می رود هر انقلاب مردمی باعث بهبود

زنان به عنوان نیمی از جامعه در دوران انقلاب ۵۷ نقش بزرگی در به سرانجام رساندن آن به عهده داشتند. در همه گروه ها و با هرگونه ایدئولوژی زنان به عنوان نیروهای فعال حضور داشتند و تعدادشان به لحاظ کمی شاید نمی توانست با مردان برابری کند و اغلب نقش رهبری را بر عهده نداشتند، اما در جامعه سنتی سال ۵۷ همین حضور هم قدم بزرگی به شمار می رفت.

این موضوع شاید به کرات در مقاله ها و یا تبلیغات صدا و سیما و مسئولین گفته شده است؛ اما موضوعی که کمتر دیده شده، مطالبات زنان در جریان انقلاب ۵۷ است. با حذف تشکل های زنان در زمان رضا پهلوی و تأسیس کانون زنان دیگر تشکل مستقلی برای پیگیری مطالبات زنان ایجاد نشد و فعالیت در حوزه زنان شکلی دولتی به خود گرفت.

در بحبوحه حرکت انقلابی مردم، سخنی از زنان و مطالبات شان بر عکس انقلاب مشروطه شنیده نشد.

زنان جذب در گروه های فعال سیاسی شده و در دنبال کردن مطالبات همان گروه ها و احزاب برای پیروزی انقلاب تلاش کردند.